

دانشمندان اصفهان

(۲)

(ابوالفرج اصفهانی)

ابوالفرج در جهان ادبیات عربی و موسیقی و شعر و خطا را با یکدیگر آغاز و قدم به قدم پیشرفته است. نواهای دلکش و فرح انگیز بلبلان تازی را کسانی که شنیده اند میدانند چه اندازه جان بخش و طرب انگیز است. نمیدانم در کدام کتاب خوانده ام که یکی از اساتید عجم که در فن موسیقی هم استاد بود روزی ارکمنار بادیه میگذشت بنغمه سرائی مترنم شد ناگاه صدای يك زن تازی را شنید که بکودك خود میگفت آرام باش و گرنه میگذارم صاحب این آواز ترا بخورد آن استاد اندکی خاموش شده که بالالمعجب این زن چه میگوید و صدای من چگونه است که در برابر او خشن و ناخوش جلوه نموده در این اندیشه بود که ناگاه زمزمه آن زن بلند گردید و آغاز خواندن برای كودك خود نمود که او را آرام نموده و بخواناند!! آن استاد دانست که راستی صدای عرب چه صدای طرب انگیز و فرح بخشی است که هیچ آوازی بهتر و زبینده تر از آواز عربی نیست. البته خوانندگان گرامی ارمغان نعمات دلکش موسیقی نوازان و خوانندگان عرب را در گرامافون شنیده و میدانند که موسیقی عربی چه شور و نشاطی در افکننده و همه جهان را مفتون نعمات دلکش خود نموده است. (۱)

(۱) باید دانست که موسیقی عرب از فارسیان گرفته شده و این علم در عرب نبوده چیزی که هست در عرب پایدار مانده و در ایران بعلی چند که مقام گنجایش ذکر ندارد بیشتر از میان رفته است تاریخ هم بر این گفتار گرامست.

و حید

عرب در شعر و خطابه و موسیقی سرآمد ممال دیگر است و از دیرترین زمانها تا کنون این قسم بوده و تا حنجره عرب در جهان باقی است و چرخ و فلک جهان در گردش است این سرآمدن فطری برای آنان باقی خواهد بود. با تمام اینها چه اندازه جای خوشوقتی است که به گواهی تاریخ مؤسس موسیقی عرب ابوالفتح موصلی شاعر ایرانی نژاد است و بزرگترین مورخ و نویسنده که آوازه‌های عرب را با تاریخ و خصوصیات آنها تالیف و تتبع نموده ابوالفرج اصفهانی میباشد که موضوع بحث این مقاله میباشد. و راستی ایرانی هر کجا قدم گذاشت و صمیمانه اقدام نموده خوب از عهده بیرون آمده و یادگار جاودانی برای بشر گذاشته و در حقیقت بیشتر صفحات تاریخ فکری شرق را ایرانیان تولید نموده اند.

(تولد و وفات ابوالفرج اصفهانی)

علی بن حسین محمد بن احمد هشتم بن عبدالرحمن قرشی ادوی مروانی صاحب کتاب اغانی در سال ۲۸۱ هجری (۸۹۷ میلادی) در زمان خلافت معتضد بالله ابوالعباس احمد بن موفق در اصفهان بدنیا آمد و در این سال بحریری شاعر مشهور تازی وفات نمود «در بغداد نشو و نما و اقامت نموده و جایگاهش در بغداد در کنار دجله و همسایه ابی فتح بریدی بوده و در ۱۴ ذی حجه در سال ۳۰۶ (۲۱ نوامبر ۹۶۷ میلادی) وفات نمود.

در این سال دو نفر از دانشمندان سه نفر از شهر یاران وفات یافتند از دانشمندان ابوالفرج اصفهانی و ابوعلی قالی صاحب کتاب امالی و از شهر یاران سیف الدوله حمدانی و معزالدوله دیلمی و کافور اخشیدی است بیشتر مورخین وفات ابوالفرج را در این سال نوشته‌اند و این خانک آنرا اصح روایات میدانند

بعضی گرفتند که در سال ۳۰۷ وقت نمود در معجم الادباء چاپ مصر بعد از ذکر وفات ابوالفرج در سال ۳۰۶ داستانی نوشته که میرساند بعد از سال ۳۰۶ هم ابوالفرج حیات داشته است که ما برای ترس از طولانی شدن مقاله از آن داستان صرف نظر میکنیم.

(تالیفات صاحب اغانی)

کتاب مجرد الاغانی - کتاب اخبار اقیان - کتاب الاملاء والشواعر
کتاب ممالیک الشعراء - کتاب ادب الفرما - کتاب الدیاران - کتاب تفضیل
ذی حجج - کتاب اخبار نوادر - کتاب مقاتل الطالیین ابن کتاب در سال
۱۳۰۷ در طهران بچاپ رسیده و از بهترین مدارک تاریخ اسلامی میباشد
که بسیاری از مورخین از آن نقل مینمایند و مورد توجه و دقت دانشمندان
و مورخین میباشد. از تالیفات ابوالفرج اصفهانی دو کتاب زیاد شهرت و مورد
توجه خاص و عام است یکی کتاب اغانی و دیگر همین کتاب میباشد که داستانهای
اسلامی را بدون غرض و رزی نوشته است و برای کسانی که میخواهند مطالعاتی در
تاریخ آل محمد ص نمایند از بهترین مدارک میباشد.

کتاب اخبار طفیلی ها - کتاب مجموع الاخبار والاثار - کتاب
الخمارین والخمارات - کتاب الفرق والمعیار - کتاب فی الاوغاء والاحرار -
کتاب دعوت اتجاء - کتاب اخبار حجة برمکی - کتاب نسب بنی عبد شمس
کتاب شیبی بنی شیبان - کتاب نسب مهالبه - کتاب بنی تغلب - کتاب تعدیل
والانتصاف در اخبار قبائل و انساب آنها (۱) و این کتاب جمهره انساب عرب
است (۲) کتاب دعوت اطباء - کتاب تحف الوائید در اخبار رلاند - کتاب
دیوان ابی تمام مرتب بحروف ندرت بلکه مرتب بر انواع نموده و نسخه از آن

(۱) در معجم الادبیا و تاریخ ابن خلکان (در آثار عرب و مشاب آنها) ذکر شده

(۲) ابوالفرج در جزء ۱۹ صفحه ۵۳ چاپ بولاق یاد آوری کرده

در مصر میباید - کتاب دیوان ابی نواس - دیوان بختری بترتیب حروف آنها را جمع آوری نکرده بلکه بر انواع آنها را فراهم نموده مانند دیوان ابی تمام بختری و کتاب درغتم (۱) - کتاب در آغانی (۲) .

ستایش دانشمندان از ابوالفرج اصفهانی

محقق بجانه یاقوت حموی در کتاب بسیار نفیس معجم الادباء می نویسد :

« ابوالفرج علامه نسابه اخباری حافظ جامع بین وسعت روایت و مهارت

در آموختن آنها بوده و کسی را سراغ ندارم که بهتر از ابوالفرج در این باب تصنیف کرده باشد و بخوبی اخبار و آغانی را جمع آوری کرده با تمام اینها شاعر نیکوئی بوده »

ابن خلکان مورخ مشهور عرب در کتاب وقایع الاعیان نوشته :

« ابوالفرج از بزرگان ادباء بغداد بوده و در تصنیف یکتا بود و از

بسیاری از دانشمندان نقل روایت میکنند که تعداد آنها طولانی است و عالم باحوال مردم و انساب و سیر مردم بوده و تنوعی میگوید که من ابوالفرج اصفهانی را دیده‌ام که حافظ شعر و موسیقی و اخبار و آثار و احادیث مسنده بوده و کسی را در حافظه مانند او ندیده‌ام و در لغت و نحو و خرافات و جنگها و سیر مردم بااطلاع بوده و با تمام اینها در شعر هم دانشمندان و شعرای ظریف او را مسلم میدانستند »

ابومنصور شعابی نیشاوری در کتاب یتیمه الدهر میگوید :

« ابوالفرج از بزرگان ادباء بغداد بوده و در تصنیف وحید بود و

دانشمندان و شعراء ظریف هم در شاعری او اتفاق داشتند »

(۱) در جزء ۹ صفحه ۴۳ کتاب آغانی ذکر شده

(۲) در جزء ۵ صفحه ۵۳ چاپ بولاق کتاب آغانی این کتاب ذکر شده است

ابن ندیم در کتاب فهرست میگوید :

« ابوالفرج شاعر و مصنف و ادیب بوده و روایت میکرد و بیشتر علمی که میآورد از کتابهایی بود که مخلوط بوده و یا آنکه از اصولی نیکو بدست آورده بود »

این قسمت در کتاب آغانی تایید میشود که بسیاری از اخبار را که نقل میکنند میگوید از کتاب فلان رونوشت شده (علامه حلی در کتاب خلاصه خود پس از ستایش از او مینویسد که ابوالفرج شیعه زیدی بوده و صاحب امل الامل هم او را از دانشمندان شیعه بشمار آورده و شیخ طوسی در کتاب فهرست هم او را با ستایش نام برده است)

دسته از دانشمندان بواسطه اموی بودن ابوالفرج از شیعه بودند و اظهار تعجب میکنند .

در روایات الجئات به نقل از علامه یافعی مذکور است :

از عجایب آنکه مروانی شیعه شده و درك صحبت بسیاری از دانشمندان را نموده است تا آنکه علامه زمان خود گردید .

ابن اثیر در کتاب کامل میگوید : از عجایب آنکه ابوالفرج مذهب شیعه داشته است .

(اتصال صاحب آغانی بوزیر مهابلی)

ابوالفرج به ابوالحسن بن محمد بن هارون از خاندان مهابلی ابی صفره که وزیر معزالدوله دیلمی بوده متصل بوده است و از ندماء و هممنشین خصوصی وزیر بوده و قصاید و مدایح بسیاری درباره او سروده است و کاتب رکنالدوله نیز بوده و در نزد او محترم بوده و از رئیس ابوالفضل ابن عمید متوقع بود که او را گرامی داشته در دخول و خروج او را ارجمند داشته و احترام نماید

(ستایش دانشمندان در پیرامون کتاب اغانی)

ابو محمد مهلبی میگوید از ابوالفرج پرسیدم که در چه مدت کتاب اغانی را تالیف نمودی در جواب گفت در پنجاه سال !! و این کتاب را یکمرتبه در زمان خودش آنرا استنساخ نموده و بسیف الدوله حمدانی امیر شام هدیه داد و هزار دینار جایزه گرفت و صاحب بن عباد این داستان را شنید و گفت سیف الدوله خیلی کم آمد و ابوالفرج چندین برابر آنرا مستحق بود چه آنکه کتاب مشتمل بر منتخبات نیکو و زیبایی است و از برای پارسا این کتاب خنده آور و تفریح است و از برای دانشمندان باده است و از برای نویسنده و ادیب سرمایه و تجارتی میباشد و از برای قهرمان شجاعتی است و از برای شهریار خوبی و لذت و خزانه کتاهاى من مشتمل بر صد و هفده هزار مجلد کتاب است که همنشین من میباشد و این کتاب را من امتحان کرده دیدم تمام اخبار عرب و غیر آنها را جمع آوری کرده و از هر جهت در حسن تالیف و انتخاب و تتبع یکتا و نیکو بوده است «

ابوالقاسم عبدالعزیز یوسف منشی عضدالدوله میگوید :
همیشه عضدالدوله در سفر و حضر همنشین و جلیس کتاب اغانی بوده و با این کتاب انس داشته و سر و کارش در کتابها با اغانی بیشتر بوده است
ابن خلدون در مقدمه میگوید :

ابوالفرج کتابی در اغانی تالیف نمود و اخبار و انساب و اشعار و شهریاران عرب را در آن جمع آوری کرده و اساس کتاب خود را بر صد آوازی که برای هارون الرشید مغنیان انتخاب نموده بودند قرار داد و پس از آن استقصاء کامل نموده و کتاب خود را تمام کرد و این کتاب دیوان عرب و

جامع تمام خوبیهاست که گذشتگان در تمام فنون شعر و ادب و تاریخ و غنا و سایر احوال را مشتمل است و کتابی بهتر از آغانی من نمیدانم و این آخرین هدفی است که ادیب بآن مرتبه عالی میرسد «

صاحب روضات الجنات مینویسد : صاحب بن عباد همیشه در سفرهای خود سی شتر کتاب برای مطالعه حمل میکرد و وقتی که کتاب آغانی را بدست آورد بجز کتاب آغانی کتاب دیگری را اختیار نکرد .
یا قوت حموی میگوید من کتاب آغانی را برای خود در بیست مجلد استنساخ نمودم .

صاحب نفع الطیب مینویسد (۱) مستنصر که یکی از خلفای بنی امیه در اندلس بود کسی را نزد ابوالفرج فرستاده و هزار دینار طلای خالص برای او روانه کرد و يك نسخه از کتاب آغانی را برای خلیفه اموی در اندلس فرستاد پیش از آنکه این کتاب در عراق منتشر شود .

زندگانی خصوصی ابوالفرج

رئیس ابوالحسن هلال بن محسن بن ابراهیم بن هلال صابی از نویسندگانی است که در اخبار وزیر مهلبی کتابی را تألیف نموده حکایت کرد که ابوالفرج اصفهانی خیلی کثیف بوده و لباس خود را با کوزه نمیکرد تا آنکه با همان کثافت پاره شده و از تن او جدا میشد با این وصف مردم زبان خود را از نکوهش و هجو ابوالفرج نگاه میداشتند اگر چه در نشست و برخاستها و آمیزش و خوراکیها با آنان سخت میگذشت چه آنکه در بدن و لباس خود کثیف بوده و لباس خود را دور نمی انداخت تا آنکه پس از کثافت پاره گردد و کسی در تمام

(۱) برای کسانی که میخواهند مطالعاتی در تمدن و ادبیات اسلام در اندلس نمایند این کتاب

عمر ابوالفرج را ندید که او لباس خود را شسته باشد !! و قاضی دلمی و الحسن بن علی تنوخی در کتاب نشوارالمحاضرة (۱) میگوید :

ابوالفرج خیلی پر خور بوده و وقتی که غذا در معده او سنگین میشد پنج درهم فلفل میخورد در اثر خوردن فلفل نه او را آزار میشد و نه اشک از چشمانش جاری میگشت با این وصف نمیتوانست يك دانه نخود بخورد و هرگاه قدری نخود میخورد اثراتش در بدن او آشکار میگردد و بعد از يك و يادو ساعت ناچار خون میگرفت سبب را نمیدانستند و دوائی برای آن قائل نمیشدند و در اواخر عمر از خوردن نخود منصرف شده و در خوردن فلفل مداومت داشت

مختصر کتاب اغانی

- کتاب اغانی را دسته از ادبا و دانشمندان مختصر نموده اند از آن جمله .
- ۱- وزیر حسین بن علی بن حسین ابوالقاسم معروف به ابن مغربی که در سال ۴۱۸ هجری وفات نمود .
 - ۲- قاضی جمال الدین (۲) بن محمد سالم معروف به واصل حموی که در ۶۹۷ هجری وفات نمود .
 - ۳- ابوالقاسم عبدالله معروف بابن باقیا کاتب حلبی که در ۴۸۰ هجری وفات نموده که ابن خلکان مینویسد که اغانی را در يك مجلد خلاصه نموده .
 - ۴- امیر عز الملک محمد بن عبدالله بن احمد حرانی مسیحی کاتب متوفی سال ۴۲۰ هجری .

(۱) این کتاب در سال ۱۹۲۱ میلادی بتصحیح مستشرق مشهور انگلیسی هس، مرچلوت در مصر بچاپ رسیده

(۲) کتاب خود را تجرید الاغانی من ذکر المثلک والمثانی نامیده و در کتابخانه مصر جزء اول آن در ۳ جلد در تحت شماره ۵۰۷۱ ادب موجود است که از نسخه خطی که در کتابخانه ایاصوفیا اسلامبول در تحت شماره ۱۴۰۰ میباشد عکس برداشته شده

۵- امام لغوی جمال الدین محمد بن مکرم اصفهانی صاحب (لسان العرب) که در ۷۱۱ وفات نموده و بحروف هجا کتاب خود را مرتب نموده و (مختار الاغانی فی الاخبار و التهای) نامیده نسخه از آن در دارالکتب مصر موجود است و در مطبعه سلفیه قاهره چاپ شده .

۶- رشیدی ابوالحسین احمد بن رشید زهیر هم این کتاب را مختصر نموده .

۷- محمد خضری بازرس سابق وزارت فرهنگ مصر کتاب اغانی را در ۸ جلد قرار داده و نام (مهذب اغانی) نامیده اخبار و شعرا و نوادر و تاریخ این کتاب را برخلاف ترتیبی که ابوالفرج قرار داده ترتیب داده است شعراء قحطان و روایات و اشعار آنها را در یکجا فراهم کرده پس از آن شعراء کهلان و بعد مذحج و سپس طئی و بعد از آن همدان بهمین ترتیب جدا جدا در خصوص هر کدام فصل و باب مخصوصی قرار داده است با وجود این کسانی که این کتاب را دارا باشند مستغنی از کتاب اغانی نیستند چه رسد بکتابهای مختصر اغانی که اشاره بنامهای آنها نمودیم .

کتابهای اغانی که پیش از تالیف اغانی ابوالفرج که تالیف شده است کتاب اغانی ابوالفرج اصفهانی نخستین کتابی نیست که در این خصوص تالیف شده باشد بلکه يك عدد از دانشمندان و ادبا در این خصوص تالیف کرده اند که ما آنها را میشناسیم و از این قرار هستند .

۱- کتاب اغانی که اسحق موصلی آنها را خوانده است .

۲- کتاب اغانی کبیر : در نسبت تالیف این کتاب اختلاف است و

دسته آنرا نسبت بابواحق میدهند و برای تفصیل مراجعه فهرست آن ندیم شود .

۳- کتاب اغانی حسن بن موسی نصیبی که بترتیب حروف معجم تالیف شده و در کتاب فهرست ابن ندیم اشاره بآن شده .

۴- کتاب اغانی حسن بن موسی که نام او گذشت .

افسانه بودن شومی کتاب اغانی

در میان شیعیان مشهور شده که کتاب اغانی معروف بشومی است و حتی محدث معظم آقای حاج شیخ عباس قمی در کتاب هدیه الاحباب در حاشیه شرح حال ابوالفرح مینویسد داستانهائی که درباره شومی این کتاب شنیده‌ام !! نویسنده این سطور روزی حضرت معظم له را در نجف ملاقات کرده و شرح شومی اغانی را پرسش نمودم فرمودند علامه کبیر سید حسن صدر داستانهائی میفرمودند که هر کس دوره کامل اغانی را داشته باشد بدبختی‌هایی با و روی آور میگردد و چیزی بخاطر نداشتند که برای نگارنده نقل کنند و من بسیاری از ادبا و دانشمندان را میشناسم که دوره ناقص اغانی را برای رفع شومی آن تهیه کرده‌اند و فقط ادبا و شعرای عرب خیلی اهتمام باغانی میدهند بطوری که در حراج کتاب در بغداد یکی از فضلاء نویسندگان عرب را که در ردیف شعرا و ادبا بشمار میرفت خواست کتاب اغانی را تهیه کند یکی باو گفت شومی کتاب بتو هم سرایت خواهد نمود او در جواب گفت اگر یگانه فرزندم بمیرد من این کتابرا نخواهم فروخت و بالاخره کتاب اغانی را تهیه نمود و این همه باندازه زیاد در گوش ادبا و شعرای شیعه پیچیده ولی ماخذ تاریخی برای آن بدست نیاوردم تا آنکه روزی از محقق و بحانه بزرگ عراق

عرب شیخ محمد سماوی صاحب کتاب (انصار العین فی انصار الحدین و صاحب کتاب (تذکرۃ الشعراء الشیعیه) که از محققین و مورخین درجه اول بشمار می‌رود این قسمت را سؤال نمودم محقق مذکور فرمودند این همه داستانها همه افسانه و خرافات است و مبدا آنرا تحقیق نموده ام اینست که دشمنان اسلام این خرافات را در شیعه انتشار داده اند چه آنکه اخبار مهمی در خصوص آل محمد در کتاب اغانی موجود است که برای شیعیان يك درس عبرت و مفیدی بشمار می‌رود و متأسفانه در تمام چاپهای اغانی که مکرر چاپ شده این قسمت اخبار را حذف کرده‌اند و چاپ اسلامبول نسبت به چاپهای دیگر آن تحریفانش کمتر میباشد و در نسخه‌های خطی اغانی اخبار آل محمد ص را زیاد مشتمل است و این افسانه را منتشر کرده‌اند که شیعیان در نگاهداری مساجد گفتند چنانکه این جوزی که از متعصبین میباشد صاحب اغانی را قدح کرده و کتاب اغانی را بی اعتبار میدانند.

جزء بیست و یکم از کتاب اغانی

کتاب اغانی در مطبعه امیریه مصر در بیست جزء چاپ رسید و با این جزء اخبار عمارة بن عقبیل بن هلال بن جریر بن عطیه الخطفی پایان رسید و این آخرین قسمت از کتاب اغانی میباشد.

مستشرق رودلف برونو آمریکائی کتابی را بنام جزء بیست و یکم از اغانی در چاپخانه لیدن از شهرهای هولاند در سال ۱۳۰۵ هجری «۱۸۸۸» میلادی چاپ رسانید و این کتاب که مستشرق مذکور آنرا جزء بیست و یکم اغانی میشناسد قابل تشکیک است.

۱- مقدمه برای این جزء قائل نشده که معلوم شود اصل این نسخه را که چاپ رسانیده و از کجا بدست او آمده.

۲- اسلوب نگارش این جزء خیلی سست و ضعیف است و هیچ شباهت با اسلوب نوشته های ابوالفرج در بیست جزء کتاب اغانی ندارد .

۳- زیاد کلمات و الفاظی را تشریح مینماید، که در اشعار وارد شده و این هم خلاف روش کتاب اغانی است. مثلاً در جزء اول با آنکه الفاظ غریبه زیادی را داراست همه آنها را شرح نکرده مگر نوادر الفاظ را که بشمار نمیآید و آنچه شرح شده در این جزء مانند این گونه الفاظ چهار پنج کلمه میباشد (۱)

۴- در جزء بیست و یکم معانی ترکیبی بعضی از بیت ها را شرح میکند که در جزوه های سابق این روش را نداشته است (۲)

۵- در این جزء زیاد کلمه اصوات را بر شعری که غناء نیست نوشته با آنکه روش کتاب اغانی بر اینست که کلمه اصوات را بر اشعاری اطلاق نموده که از روی غنا خوانده شده است (۳)

ادیب ارجمند احمد زکی عدوی رئیس قسمت تصحیح دارالکتب مصری پس از ذکر این انتقاد مینویسد هر گاه برای ترس از طولانی شدن مقدمه کتاب اغانی نبود ایرادات بیشتری متوجه این مستشرق مینمودیم که نظریه ما تأیید شود .

بعد از ابوالفرج اصفهانی دیگران نتوانسته و یا نخواسته اند که کتابی را در اغانی تألیف و تصنیف نمایند که حقاً بتوان گفت مستدرک و یا متمم کتاب اغانی باشد و این بنده هر چه در عالم ادبیات عربی سراغ کتابی را در این زمینه نموده

(۱) نگاه کنید صفحات ۵۶ و ۱۸۸ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱

(۲) نگاه کنید صفحات ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۳

(۳) نگاه کنید صفحات ۷۳ و ۱۱۲ و ۱۱۳

واز دانشمندان و ادبای عرب برش نمودم تاکنون چنین کتابی را نیافته‌ام و در این زمان که ارزش این گونه مباحث زیاد گشته ادبا و شعرای عرب در قسمت موسیقی و اشعار مانند سایر موضوعات ادبی و تاریخی تتبع و استقصاء مینمایند .

دو کتاب در این قسمت تالیف و تدوین نموده‌اند مانند مجموعه «آغانی شعبیه» تالیف سید عبدالرزاق حسنی که در بغداد چاپ رسیده و کتاب «مجموعه آغانی شرقیه» تالیف حبیب زیدان که در مصر چاپ رسیده و ارزش این گونه تالیفات بجای خود محفوظ است اما پایه کتاب بسیار نفیس آغانی ابوالفرج اصفهانی نمیرسد و اصلاً قابل مقایسه بایگدیگر نمیباشد .

با آنکه در ایران از قدیمترین زبانها موسیقی مقام شامی را داشته و باربدها از آن ظهور نموده‌اند متأسفانه تاریخ نگاران فارسی در این قسمت اهتمام نکرده و از ذکر وقایع و اشعار آنان کوتاهی نموده‌اند و گاهی در اشعار بزرگ اشاراتی باین قسمت میباشد و نظامی شاعر بزرگ گنجینه اصطلاحات موسیقی زمان خسرو پرویز را در نامه خسرو و شیرین نام میبرد چه قدر خوب بود که در زبان فارسی هم یک کتاب آغانی مانند کتاب آغانی ابوالفرج اصفهانی تالیف میشد !!

اینها خلاصه بود از مطالعات اجمالی که در پیرامون ابوالفرج اصفهانی صاحب کتاب بسیار نفیس آغانی انجام یافته و غیر از مدارکی که در طی مقاله نام برده شده سایر مصادر این بحث که از آنها استفاده شده از این قرار است :

۱- الذریعة فی تصانیف اسماء کتب الشیعه ۲- دائرة المعارف اسلامی

۳- الحصون المذیبه ۴- اعیان الشیعه .